

به اسپانیا؛ یعنی به هر مریضی بیست هزار دلار می‌دادند که برای عمل به اینجا بیاید. ما وقتی کار را در اتریش شروع کردیم، دیدیم این مریض‌هایی که به اینجا می‌آیند، زبان بلد نیستند و برایشان مشکلات زیادی به وجود می‌آید. علاوه بر بیست هزار دلار که خرج عملشان بود، حدود یکی دو هزار دلار هم برای مخارج جانبی با خودشان می‌آوردند.

بررسی کردیم و دیدیم این عمل را پرفسور بارنارد معروف اتریشی انجام می‌دهد. یک شب او را به سفارت دعوت کردیم و یک قالیچه ابریشم بسیار ناب ایرانی به او دادیم. سوسیالیست بود و یک مقدار هم تحلیل‌های سیاسی تحویلش دادیم تا حسابی از ما خوشش بیاید. بعد از اینکه خوب پخته شد به او گفتیم آقای پرفسور، این مریض‌هایی که به اینجا می‌آیند، اذیت می‌شوند؛ آیا می‌توانید این عمل قلب را به ایران انتقال تکنولوژی کنید. او هم کمی فکر کرد و نهایتاً قبول کرد. آن موقع دکتر مردنی وزیر بهداشت بود و آقای دکتر نوری هم معاونش بود. ما با این‌ها هماهنگ کردیم و پرفسور بارنارد را به ایران آوردیم. او ده‌تا عمل در تهران و ده‌تا عمل هم در اصفهان انجام داد. هنگام برگشت، وضعیت را سؤال کردیم، گفت: «آقای صفری، امکانات شما خوب است، فقط آموزش می‌خواهید». ما هم بلافاصله از آن‌ها خواستیم چهل نفر را برای ما بارس کنند و آموزش بدهند و آن‌ها هم پذیرفتند. چهل تا دکتر از ایران به آنجا آمدند و یک آموزش دوهفته‌ای آنژیو دیدند. حتی یک مریضی در مونیخ آلمان تصادف کرده بود. دکتر نواب با هلی‌کوپتر از اتریش رفت، قلب او را درآورد و آمد به مریضی که در اتریش بود پیوند زد. با این کار ما توانستیم چهل تا دکتر را آموزش بدهیم و بتوانیم این عمل را در کشور خودمان انجام بدهیم.



دکتر کریستین بارنارد، پزشکی که اولین عمل پیوند قلب را انجام داد.

داشته باشیم. چند روز پیگیر تحویل تراکتورها بودند، گفتند عجله داریم. باید در یک تاریخ مشخص، تراکتورها به بولیوی می‌رسید. حالا مشکل ما چند تا شد. یکی این‌که اصلاً خط کشتی-رانی بین بولیوی و ونزوئلا وجود ندارد، چون بولیوی اصلاً به دریا راه ندارد. کشتی باید وارد یکی از بنادر شیلی می‌شد و از آنجا وارد بولیوی می‌شد. از طرفی هم ما به کارخانه تراکتور گفتیم که پنجاه تراکتور فروختیم و پنجاه تراکتور را ارسال کنید. گفتند اول هزینه را پرداخت کنید. گفتیم پروسه اداری را طی می‌کند، طول می‌کشد و عجله دارند. گفتند تا هزینه را پرداخت نکنید، تراکتور نمی‌دهیم. پیگیری زیادی کردیم. نهایتاً وزیر صنایع ونزوئلا، به‌عنوان شریک این کارخانه که ۷۴۹٪ برای آن‌ها بود، نامه نوشتند که تراکتور را به حساب ما ارسال کنید. باز هم نمی‌خواستند تراکتورها را تحویل دهند. نهایتاً تراکتورها به بندر ونزوئلا رسیدند. قرار شد با یکی از کشتی‌های نیروی دریایی ونزوئلا حرکت کنند. خوشبختانه در همان تاریخی که مورالس تاریخ انقلاب کشاورزی اعلام کرده بود، تراکتورها به بولیوی رسید. مورالس روی یکی از تراکتورها نشسته بود و شهر به شهر حرکت می‌کرد تا بتواند انقلاب کشاورزی خود را عملیاتی کند. البته تراکتورها به‌عنوان تراکتورهای ایرانی وارد شده بودند. به همین ترتیب ۷۰۰ تراکتور از ونزوئلا به بولیوی صادر کردیم. به روایت احمد سبحانی، سفیر وقت ایران در ونزوئلا (۱۳۸۰-۱۳۸۵)



### میلیون‌ها دلار صرفه جویی برای عمل پیوند

روزی که به‌عنوان سفیر به اتریش رفتم، سالانه بیست و پنج تا سی میلیون دلار به مریض‌هایی که دریچه قلبشان را می‌خواستند عوض بکنند داده می‌شد تا برای عمل از ایران به اتریش بیایند. نزدیک به پنجاه میلیون دلار هم به انگلیس می‌فرستادند. حدود چهل میلیون دلار هم



از آن به بعد دیگر حتی یک عمل دریچه قلب را هم به خارج نفرستادند